

دفترچه خاطرات سیبیل خان

ستون معرفی کتاب

کتاب زندگی ام برای لبنان

دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، صنفی سحر
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)با ما در ارتباط باشید.
۰۹۹۰۸۴۷۸۳۷۰

مسائل صنفی تون

رو هم با ما در میان بگذارید و
شماره‌های بعدی نشریه رو
دنبال کنید.
۰۹۲۱۳۳۹۳۳۰

M O S T A G H E L A T U

نمایشگاهی برای تعامل با رسانه‌ها

نمایشگاه، رسانه‌های رسمی را از خواب بیدار می‌کند از آنجایی که در فضای انتخابات، ما نیاز به یک تلنگر و جریان‌سازی رسانه‌ای داریم، فضاهای رسمی خبری ما در خوابی هستند که تنها، چالش‌های چند گروه حزبی را پوشش می‌دهند و خیلی کم پیش می‌آید با خلافت فضای رقابتی درست برای آنها شکل گیرد و از این نظر برگزاری نمایشگاه رسانه‌ها یک فرصت است.

از آنجایی که رسانه‌ها مسئول هستند که اخبار انتخابات را به مردم کشورمان به درستی ارائه بدهند، تحلیل کنند، تنها چیزی که در این وسط جای خالی مانده این است که مردم چگونه می‌توانند در انتخابات مشارکت درست داشته باشند و به چه کسی رأی بدهند. بهتر است از تجربیات کشورهای پیشرفته اسلامی استفاده کنیم. دموکراسی و حضور مردم چیزی نیست که نظام جمهوری اسلامی به آن پایبند نباشد، اما پراکندگی که در حال حاضر شاهد آن هستیم این است که ما احزاب قوی نداریم. مردم ما نگاه حزبی ندارند، یعنی سلیق مختلف پراکنده است و اغلب انتخابات ما هیجانی است، امیدواریم روزنامه‌ها، نشریات و رسانه‌ها در هر چه روشن‌تر شدن مسیر انتخابات قدم‌های مفید تری بردارند تا مردم وطنمان بدانند قانون کشور ما فضای خوبی برای مشارکت در انتخابات ایجاد کرده است.



در مردم شده است. در چنین شرایطی نیاز است در مردم امید ایجاد شود. مطبوعات باید به نشر اخبار درست و امیدآفرین توجه کنند. درست است که مشکلات وجود دارد، ولی امکانات، فرصت‌ها و قوت‌هایی داریم که می‌تواند استراتژی کشورمان را برای آینده ترسیم کند. می‌توانیم از مسئولان انتقاد کنیم، اما انتقادی منصفانه که همراه با راه‌حل باشد. درنهایت، ایجاد چنین بستری می‌تواند به پویایی و بهبود مسائل جامعه کمک کند.

گسترده‌ای دارند و برای اصحاب رسانه این موقعیت چندان فراهم نیست که بتواند از نزدیک با هم تبادل آرا داشته باشند، در چنین نمایشگاه‌هایی این فرصت برایشان فراهم می‌شود. همچنین این نمایشگاه متعلق به خود رسانه‌ها و فرصتی است تا همدیگر را ببینند و نقطه نظرات و مسائل خودشان را به اشتراک بگذارند. کارکرد بعدی این نمایشگاه بیداری مطبوعات و رسانه‌ها در امیدآفرینی برای آینده کشور عزیزمان است. شرایط اقتصادی و تحریم‌ها باعث ایجاد موج بی‌اعتمادی و ناامیدی

محبوبه رفیعی

عضو فعال دانشکده حقوق و علوم سیاسی

یست و چهارمین نمایشگاه مطبوعات و رسانه پس از ۶ سال وقفه با شعار «نجستم همیشه جز از راستی» آغاز شد. بیش از ششصد رسانه، مجموعه‌های خلاق و دانش‌بنیان فعال در این حوزه میزبان اهالی رسانه، فرهنگ و فناوری بودند. یکی از فعالیت‌های ویژه این نمایشگاه، برگزاری هشتاد نشست در ۴ روز بود. چهل نشست به‌طور تخصصی با محور رسانه برگزار شد. تجلیل از پیشکسوتان و اساتید عرصه رسانه، کارگاه‌های آموزشی تخصصی از کار و ویژه‌های دیگر این نمایشگاه بود. در این نمایشگاه از کتب حوزه ارتباطات و روزنامه‌نگاری نیز رونمایی شد.

علت العلل برگزاری نمایشگاه

از دلایل برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی، آشنایی مردم و مخاطبان با جامعه مطبوعاتی است. در این فرصت مردم از نزدیک با اصحاب رسانه دیدار و گفت‌وگو کردند. یکی دیگر از کارکردهای برگزاری نمایشگاه رسانه این است که اصحاب رسانه از نزدیک به تبادل تجربه و ایده می‌پردازند. رسانه‌ها و نشریات به‌طور کلی گستره جغرافیایی متفاوت و

سهل ممتنع کار رسانه‌ای

بررسی حواشی برنامه‌ی معلی و اندیشه‌ها

سرگرمی‌های عامیانه است و ظرافت و دقت بیشتری را می‌طلبد. تفکری که سازندگان معلی دنبال می‌کنند، همان منطق و تفکر برنامه‌هایی مثل عصر جدید است. برنامه‌ای که بخش عمده‌ای از موفقیت خود را از فضای مجازی کسب کرده است. زیرا سازندگان آن به خوبی واقف به این بودند که رسانه روی مردم چه تأثیر کلان و مهمی می‌گذارد. بنابراین برنامه نساختند؛ تکه نمایش‌های طنز و جذاب و متاثر کننده‌ای ساختند که مخاطب را از درون قاب گوشی، جذب قاب تلویزیون کنند. معلی هم مصداق وایرال‌سازی است، نه برنامه‌سازی! به آن معنا که یا به دنبال همه است یا به دنبال ویوهای اینستاگرامی!

این ذهن رسانه زده تهیه‌کنندگان تلویزیون است که اینگونه عمل می‌کند و هر چیزی را وسیله و دست‌آویزی برای برجسته سازی می‌کند. قبل از معلی مداح، بازیگر نبود. مداح به خودی خود، به کار ذهن‌های رسانه زده نمی‌آید و باید شخصیت جدیدی از خود نشان بدهد.

باید صدا تقلید کند، استندآپ کمدی اجرا کند، خاطره بگوید و همه چیز باشد جز مداح! معلی یک حسینه نیست. حسینه یک مکتب است. روحی جاری و ساری دارد. انسان‌ساز و جریان‌پرور است و اتمسفر خاص خود را می‌طلبد. معلی علی‌رغم همه‌ی خوبی‌های انکار نشدنی‌اش، در حال تغییر مختصات این اتمسفر و چه بسا، مسموم کردن آن است.

ابتکار عمل رسانه‌ای‌ها در تولید حاشیه، بیشتر از همت‌شان برای تولید محتواست. ابداعات

خود برنامه‌های جدید و متفاوت است. معلی، به گونه‌ای نشر رسانه‌ای شادی و غم مؤمنانه



خلافت‌شان برای خزیدن به حواشی فضای مجازی حقا که ستودنی است. مداح-مجری و مداح-سلبریتی از آن ایده‌های نوین و دست نخورده بود که سید بشیر حسینی (طراح این برنامه) به قیمت زیر سؤال بردن شأنیت مداح به آن دست درازی کرد.

مخاطب زدگی دشمن دین نگاری رسانه‌ای
برنامه سازی دینی، متفاوت از ساختن

است و نشان می‌دهد که برنامه‌های مذهبی، از گفت‌گو محور بودن و احکام گویی فاصله گرفته‌اند. باید از خود سؤال کرد، آیا «این ره که می‌رویم به ترکستان است؟» اینکه بگوییم معلی در حال آزمون و خطاست؛ توجیه مناسبی برای ابتذالات و حرمت‌شکنی‌های آن نیست. در حال حاضر که صداوسیما در بدترین دوران خود از حیث مشروعیت رسانه‌ای است؛ می‌بینیم که

مکتب، سلاح اصلاح مخاطب

حسینه معلی، که یک حسینه؛ بلکه یک شوی تلویزیونی با مختصات مذهبی پسند است. حسینه چیزی فراتر از با کفش روی فرش نرفتن است. حسینه، هیئت، مداحی و... همه تشکیلاتی برای تربیت نیرو هستند. هیئت یگانه سنگر اسلام و مداح خط شکن مسیراست. نمی‌توان انکار کرد که معلی در نوع

سارا سادات مرتضوی

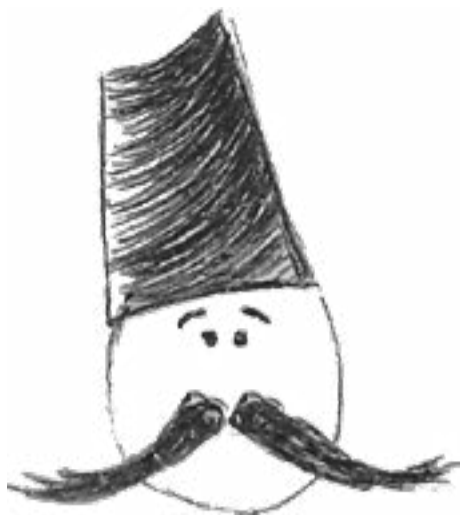
عضو فعال دانشکده علوم اجتماعی

دفترچه خاطرات سیبیل خان

محرمانه؛ فقط سیبیل زادگان بخوانند

مریم رجبی

دبیر فرهنگی شورای مرکزی



که بگویم ماست سیاه است و روز شب، با اختلاف می توان جام بهترین جوک قرن را به او داد.

که انجمن مستقل دانشگاه علامه می تواند تیمی را برای مسابقات کشوری اعزام کند. خدا را شکر که از هر انگشت دانشجوی این مملکت، هنر می ریزد. پیوستگی و مداومت در هر پخش این نشریه تا بدانجا بود که دانشجویی گمان برده بود که در شماره دوازدهم قصد برگزاری یک امتحان سراسری از محتوای مکتوب در آن را داریم که خوشبختانه با ورود تیم توضیح، فرد مذکور به راه راست هدایت شد. گزارش ها حاکی از آن است که مراجع تقلید در خوابگاه ها فتوایی نو داده اند.



بالآخره پس از کلی خون دل خوردن، قطار سیبیل نامه هم در ایستگاه انتخابات متوقف شد تا پایه های مجلس ریل گذاری شود. ولی دلمان برای سروکله زدن با مسافران سیبیل خان، ناسزاهایی که خطاب به بی سیبیل گفته می شد، تعریف و تمجیدهایی که از اشعار سبیل الشعراء می شد، سیبیل الغیبی که در نبود سیبیل الشعراء خودی نشان می داد، نامه های سیبیل السلطنه که باب دل بعضی ها نبود، جملات نابی که سیبیل المتکلمین در افشانی می کرد و در آخر سخنرانی های فریدیش سیبیل به شدت تنگ می شود.

بر اساس متن صریح حکم مذکور، پخش نشریه در تعدادی از اتاق ها حرام سیاسی اعلام شده و با متخلفین برخورد فیزیکی و لفظی صورت می گیرد. لازم به ذکر این نکته است که تا قبل از صدور این فتوا، آمار مجروحین روحی، رو به افزایش بود که با این تصمیم درست و به موقع، شاهد کاهش جراحات و زخم ها بودیم.

یکی از حسن های سیبیل نامه، ایجاد بستر گفتگو با مخاطب بود. دو، سه روز از پخش گذشته بود. وارد اتاقی شدیم، بحث داشت به بگو و مگوهای انتخاباتی شباهت پیدا می کرد. از زمین و زمان حرف به میان آمد و ناگهان جمله ای رو بددل شد که در یک آن مغز آدمی را چهار قفله کرد: «بی بی سی و اینترنشال دستش با جمهوری اسلامی توی یک کاسه است!» من بودم و حیرت. من بودم و بهت. مثل آن است

دوران ضبط و نشر تعلیقه ی نشریه سحر، در بایگانی اذهان عمومی هرگز خاک نمی خورد؛ زیرا پویایی و سرزندگی لحظه به لحظه آن، با تمام وجود درک شده است. خب برویم سراغ اصل مطلب؛ ده، دوازده شماره، آن هم با تیپاژ بالا، شوخی نیست. پدر بزرگترین پخش کننده برون فعال) نشریه را هم درمی آورد.

سیبیل نامه مورد عنایت دانشجویان خوابگاهی قرار گرفته بود. هر شخص به شیوه خودش به آن التفات می نمود. از «ما نمی خونیم، برو بیرون» تا «دیر کردین، دلمون براتون تنگ شده» ما را بر آن داشت که اتاق های ممنوعه و مطلوبه را به رشته تحریر درآوریم. در کنار همه این ها، مراعات حال خواننده را نیز مدنظر داشتیم. برای مثال در یک بلوک که خواست نامش فاش نشود، دانشجویان برای فریضه خواب اهمیت ویژه ای قائل بودند و نمی گذاشتند



تختشان احساس تنهایی کند. با توجه به سوژه مذکور، اولین محموله را روانه اتاق های ایشان کردیم.

از دیگر معجزات سیبیل نامه، به اوج رساندن خلاقیت در قشر فرهیخته دانشگاهی است. نبوغ دانشجویان در رشته اورپگامی به قدری عیان بود



معرفی کتاب

فاطمه حاجی حسینی

عضو فعال دانشکده علوم ارتباطات

کتاب زندگی ام برای لبنان، خاطرات مقاومت و مبارزه علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل است. اما این بار از نگاه یک دختر کمونیست چریک بیان می شود. سها بشاره دختری مسیحی است که در دیرماس متولد شد. جایی که فاصله اش با اسرائیل چند فرسخی بیشتر نیست. دهکده ای که زیتون هایش در لبنان زیانده همه است. کودکی سها در میان بمباران های دهکده و خانه اش، کشتار در صفر مارینا تا تصفیه اردوگاه تل زعتر گذشت. عشق به سیاست را از پدرش به ارث برد. خانواده اش از خطرات درگیر شدن با سیاست آگاه بودند اما این تهدیدها باعث توقف آنها نشد. همیشه از دور قلعه خیام، زندانی که متعلق به رژیم صهیونیستی بود را می دید ولی هیچ گاه گمان نمی کرد که در آینده چه نقش بزرگی در زندگی او خواهد داشت. فعالیت چریکی اش را از هفده سالگی آغاز کرد. به عنوان نیروی امدادی به هم حزبی هایش در سنگر کمک می کرد. زمانی که بیست و یک ساله بود به عنوان یک پرستار کودک به خانواده نظامی اسرائیلی نزدیک شد. هدف او ترور آنتوان لحد بود. آنتوان لحد نظامی لبنانی که با خیانت به وطنش ارتشی تشکیل داد و تبدیل به نگهبان اسرائیل در لبنان شده بود. کسی که در کشتار صبرا و شتیلا نیز نقش مهمی ایفا کرد. سها هنگامی که در خانه فرمانده نظامیان بود با اسلحه ای به قلب او شلیک کرد و مأموریت خود را به پایان رسانید. اما در ادامه داستان دیگری برای او رقم خورده بود. خیام یا جهنم بی نام جایی بود که ده سال از زندگی سها در آن گذشت. اسرائیل وجود این زندان را انکار می کرد. هیچ موسسه بین المللی و یا حتی کمیته صلیب سرخ هم نمی توانست زندانیان را ببیند. خاطرات سها از زندان خیام شباهتی غیر قابل انکار به زندگی اسرای ایرانی در جنگ هشت ساله دفاع مقدس دارد. شکنجه، سلول انفرادی، ساختن قلم از ورقه های نازک فولادی، ممنوعیت داشتن قرآن یا هر کتاب آسمانی دیگر همه خاطرات مشترکی است که بین اسرای مقاومت به چشم می خورد. گاهی پرده ها کنار می رود و دشمن حقیقی خود را نمایان می کند. پس از آزادی جنوب لبنان از جنگ اسرائیل، زندان خیام به دست روستاییان دست خالی آزاد شد. سها که ده سال از جوانی اش را بدون محاکمه در خیام گذرانده بود حال سی و یک سال داشت و تبدیل به ارزش مقاومت شده بود. در بخشی از کتاب از زبان او می خوانیم: اینکه زندانی هستم، برایم اهمیت نداشت. برای من دست از جنگ برداشتن، پشت کردن به انسانیت بود. اکنون دیگر خاطره زندان نیست که من را می آکند بلکه مردم و آینده شان و روح مقاومت است که من را پر می کند. چون آنچه که من کردم برای کودکان فردا بود، برای آینده ای که در سایه درختان بازی کنند و هوا از سرو صدای شادیشان بلرزد.

هنگامی که این کتاب را می خوانید پایه پای سها اسلحه به دست می گیرید و هنگام رد شدن او از ایست های بازرسی اسرائیلی عرق سردی بر پیشانی تان می نشیند، گوش هایتان را تیز می کنید که صدای نجوای زهرای زندانی با سها را از پشت دیوار سلول بشنوید. زهرا دختر رزمنده ی حزب الله که مبارزه او تا به امروز ادامه دارد. و به مناسبت ۱۴۳ روز حملات اسرائیل به غزه دست نوشته شهید عماد مغنیه را یادآور می شویم. هدف واضح، روشن و دقیق است: پاک کردن اسرائیل از صفحه روزگار.



صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مدیرمسئول: محمدشاهد چرخکار سردبیر: مهدیه احمدی

ویراستار: مهدیه احمدی صفحه آراء: زهرا سادات شهیدی

هیئت تحریریه: مریم رجبی، فاطمه حاجی حسینی، سارا سادات مرتضوی، محبوبه رفیعی